

بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران

عبدالمطلب عبدالله*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۸)

چکیده

ایران کشوری است که در آن اقوام گوناگونی زندگی می‌کنند. جوانان دانشجوی قشری از جمعیت را تشکیل می‌دهند که تنوع قومی جمعیت ایران در میان آنان بازتاب یافته و دانشگاه، به اصلی‌ترین مکان برای حضور و تعامل همه جوانان از هر قوم و ناحیه کشور تبدیل شده است. جوانان دانشجوی که از مناطق مختلف کشور به تهران می‌آیند تجربه حضور در دانشگاه و تعامل با دیگران را فرصتی مغتنم جهت انواع بازتاب و بازبینی‌ها در هویت‌های قومی و ملی خویش می‌دانند. این پژوهش به بررسی میزان توجه هویت قومی و ملی ایرانی در دو گروه از دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران اختصاص یافته است. نتایج این تحقیق میزان تعلق خاطر دانشجویان کرد و آذری به هویت‌های قومی خویش و میزان درک و تعلق هر دو گروه به هویت ملی ایرانی را در این طیف از دانشجویان نشان می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان از چندبعدی بودن مؤلفه‌های هویتی افراد است. یک دانشجوی آذربایجانی و یا کردستانی به‌طور هم‌زمان خود را هم مسلمان و هم ایرانی می‌داند. پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی دانشجویان کرد و آذری به‌روشنی حاکی از اهمیت دادن آن‌ها به بعد قومی هویت خویش است. بر پایه سنجه هویت قومی در این تحقیق، میانگین هویت قومی آذری‌ها بیش از کردها است، اما در زمینه خواسته‌های قومی این دو گروه تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: هویت، هویت قومی، هویت آذری، هویت کرد، هویت در دانشگاه.

مسئله پژوهش

در ایران اقوام گوناگونی زندگی می‌کنند و با وجود آنکه یک قرن از تشکیل دولت ملی مدرن در ایران می‌گذرد، انواع گویش‌ها و لهجه‌های محلی در سراسر این سرزمین به حیات خود ادامه می‌دهند. برخلاف دیدگاه‌های گذشته، امروزه وجود تنوع در فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی و همزیستی مسالمت‌آمیز آنان در درون مرزهای یک کشور در تضاد با موجودیت و تداوم دولت-ملت دیده نمی‌شود. چنین استدلال می‌شود که هویت امری یکپارچه و یک‌بعدی نیست و فرد در آن واحد ترکیبی از هویت‌های گوناگون را برای خود متصور است.

جوانان، به‌خصوص دانشجویان، قشری از جمعیت را تشکیل می‌دهند که معمولاً نسبت به انواع مسائل سیاسی و اجتماعی حساس‌ترند و در بازتاب دادن انواع خواسته‌ها و آرمان‌های سیاسی و اجتماعی از بقیه گروه‌های جمعیتی آرمانی‌تر و شفاف‌تر عمل می‌کنند. از سوی دیگر، جمع کثیری از جوانان کشور در مراکز دانشگاهی سال‌هایی از عمر خود را سپری می‌کنند که همین امر باعث شده دانشگاه و مراکز آموزشی به مکان‌های بسیار مهمی برای پژوهش و بررسی روندهای گوناگون فکری، فرهنگی و سیاسی تبدیل شوند. تنوع قومی جمعیت ایران نیز در جمعیت دانشجویی کشور بازتاب یافته و دانشگاه، به اصلی‌ترین مکان برای حضور و تعامل همه جوانان از هر قوم و ناحیه کشور تبدیل شده است.

برای دانشجویانی که از مناطق قومی کشور می‌آیند تجربه حضور در دانشگاه و تعامل با دیگران فرصتی است برای انواع بازبینی‌ها در هویت‌های فردی و اجتماعی خویش. این دانشجویان در جریان تعامل روزانه با سایر دانشجویان، استادان و سایر مقامات دانشگاهی، به تدریج نگرش‌هایی نسبت به خود و جایگاه خود در میان دیگران، و نیز نسبت به جایگاه گروهی که با آن همانندسازی می‌کنند در سیاست‌های کشور پیدا می‌کنند، و بر اساس این تعاملات پیچیده «هویت‌هایی» را برای خود برمی‌سازند. آنان پس از پایان دوران دانشجویی و بازگشت به شهر و دیار خود تجربه تعامل با «فارس‌ها» یا «تهرانی‌ها» و نگرش‌های سیاسی و تعاریف هویتی خود را به میان همشهریان خویش می‌برند. نگرش‌های آنان نسبت به دیگران و نیز تجربه آنان در چگونگی شکل‌دهی به هویت اجتماعی خود و توازنی که میان هویت ملی و قومی در آنان پدید آمده است به‌طور حتم انواع پیامدهای سیاسی و اجتماعی را در بر دارد.

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت دوره دانشجویی در فرایند شکل‌گیری نگرش‌ها به هویت‌های جوانان دانشجو صورت گرفته است. این پژوهش صرفاً به دو گروه از دانشجویان قومی که تعدادشان به مراتب زیادتر از بقیه بود - یعنی دانشجویان کرد و آذری- در دانشگاه‌های شهر تهران اختصاص یافت. محدودیت پژوهش به تهران و فقدان اطلاعات پژوهشی مشخصی

درباره روابط قومی از جمله عواملی بودند که سبب شدند تحقیق حاضر اساساً جنبه اکتشافی داشته باشد.

هدف از تحقیق حاضر سنجش میزان تعلق دانشجویان کرد و آذری شاغل به تحصیل در تهران به «فرهنگ بومی» خویش در یک محیط غیربومی و برداشت‌های این دانشجویان از «هویت ملی ایرانی» که به آن تعلق دارند از اهداف این پژوهش محسوب می‌شوند. پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: دانشجویان آذری و کرد در چه موقعیت‌های خاص در تعامل با دیگران احساس تعلق به یک هویت ملی ایرانی را در خود قوی می‌بینند و در چه مواقعی حس آذری بودن یا کرد بودن در آن‌ها جنبه غالب می‌یابد؟

هویت، قومیت و هویت قومی

هویت تعریفی است که فرد یا گروه از «خود» یا «درون گروه» در مقایسه با «دیگری» یا «برون گروه» دارد. سه نوع کلی از هویت را می‌توان از هم تفکیک کرد: هویت انسانی، اجتماعی و فردی (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۲۶). هویت انسانی فرد در مقایسه و تفکیک از سایر موجودات زنده معنا می‌یابد. هویت فردی احساسی است که فرد را به‌عنوان یک فرد از دیگران جدا می‌کند و در واقع درک یا تعریفی است که فرد از خود به‌عنوان یک موجود ویژه دارد. در روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی موضوع شخصیت به‌جای هویت فردی کاربرد تحلیلی می‌یابد. البته روان‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی «خود»^۱ یا شخصیت را صرفاً مجموعه‌ای از صفات فردی که در طول زمان و در همه مضامین یکسان باقی می‌ماند در نظر نمی‌گیرند. آنان اذعان دارند که مفهوم خود مضامین گسترده‌تر فرهنگ و تعلقات مربوط به گروه‌های اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. فرد در تعریف خود و برقراری مناسبات با دیگران همواره از این مضامین، علاوه بر صفات فردی خود، تأثیر می‌گیرد. تاجفل و ترنر در «نظریه خود-دسته‌بندی»^۲ از ساختاری سلسله‌مراتبی سخن می‌گویند که در هر سطحی انتزاع بیشتر می‌یابد و به درک فرد از کیستی او مدد می‌رساند. در سطح روابط میان فردی، هویت فردی برحسب اینکه فرد چگونه از سایر اعضای گروه خود متمایز می‌شود؟ ادراک می‌گردد (مثل اینکه «من شخصیت یگانه‌ای دارم، خونگرم، درستکارم و غیره»). در سطح میان‌گروهی، فرد برحسب هویت‌های اجتماعی خود با توجه به عضویتش در گروه‌های اجتماعی و با تأکید بر شباهت‌های قالبی میان خود و اعضای گروه‌های مذکور خود را می‌شناسد. برخی از این هویت‌های اجتماعی ممکن است از

1. Self
2. Self – Categorization Theory

آغاز تولد انتسابی باشد (مثل جنسیت)، اگرچه انتسابی بودن این هویت‌ها در پاره‌ای رویکردها محل بحث دارد. برخی هویت‌های دیگر برحسب عضویتی که فرد در یک گروه کسب کرده به دست می‌آید. البته صرف عضویت در یک گروه سبب نمی‌شود که هویت فرد از آن تأثیر بگیرد. معیار اصلی در هویت اجتماعی تشخیص و پذیرش عضویت فرد در گروه به‌عنوان عاملی برای تعریف خود است (Nario-Redmond et. al. 2004: 2). به‌عبارت‌دیگر فرد از میان شماری از «پایگاه‌های هویتی»^۱ که در اختیار دارد برخی را مهم و تعیین‌کننده برای هویت خود تشخیص می‌دهد و برمی‌گزیند.

هویت اجتماعی در کی از کیستی خود است که فرد در ارتباط با عضویتش در گروه‌های اجتماعی دگرگون به دست می‌آورد، مثل ایرانی بودن، لبر بودن، خرم‌آبادی بودن، بسیجی بودن. هویت اجتماعی به قول تاجفل «آن بخش از خودشناسی فرد است که از دانش او از عضویت در یک گروه (یا گروه‌های) اجتماعی همراه با ارزش و اهمیت عاطفی تعلق به آن گروه سرچشمه می‌گیرد» (Tajfel, 1987: 63). فرد با توجه به اهمیتی که برای عضویت خود در یک گروه اجتماعی قائل است، در تعریفی که از خود دارد تعلق به گروه اجتماعی مذکور را بیشتر دخالت می‌دهد. این تعریف در همه وضعیتهای اجتماعی یکسان نیست و در برخی موقعیت‌ها ممکن است اهمیت این یا آن هویت گروهی مهم‌تر شود (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۶۴). به‌طور مثال در جریان یک مسابقه فوتبال میان تیم ملی ایران و یک تیم خارجی، برای تماشاگران هویت ایرانی در صدر است؛ اما در جریان بازی استقلال و پرسپولیس، همان تماشاگران احتمالاً به دو گروه با هویت‌های کاملاً تمایز یافته و حتی مخالف تقسیم می‌شوند. از سوی دیگر، فرهنگ یا خرده‌فرهنگ‌هایی که عضو آن هستیم بر اساس تأثیری که بر تعریف ما از خود می‌گذارند متفاوت‌اند. زمانی که فرد با یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ همانندسازی^۲ زیادی می‌کند، خود را بیشتر بر اساس آن تعریف می‌کند و درعین حال انتظاری که از دیگران برای پیروی از قواعد و هنجارهای فرهنگ (خرده‌فرهنگ) خود دارد بیشتر می‌شود؛ این در واقع همان کیفیتی است که در قوم‌مداری^۳ مشاهده می‌شود و طی آن فرد هنجارها و رسوم گروه خود را مبنای داوری راه و روش‌های اعضای گروه‌های دیگر قرار می‌دهد.

در تعریف تاجفل از هویت اجتماعی، دانش یا شناختی که فرد نسبت به هویت اجتماعی خود دارد عامل اصلی محسوب می‌شود. برجستگی یک بعد هویتی بستگی به میزان توجهی دارد که فرد به آن بعد مبذول می‌دارد، مثل زمانی که فرد صرفاً اندیشیدن به عضویت خود در

1. Identity Positions
2. Identity
3. Ethnocentrism

یک گروه اجتماعی می‌کند. برجستگی این بعد از دسته‌بندی ابعاد هویتی فرد به معنای مرکزیت شناختی آن است. هرچه فرد از تعلق خود به یک گروه اجتماعی آگاه‌تر باشد، آن بعد از هویت اجتماعی‌اش برایش مهم‌تر می‌شود.

هویت به قول اشلنجر (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۱۹۶)، همچون ساختاری تجارب گذشته ما را به گونه‌ای نظام‌مند دربر می‌گیرد و درعین حال «فرایندی فعال است که افکار، احساسات و اعمال ما را هدایت و تنظیم می‌کند.» هویت همچنین بر چگونگی ادراک، بازیابی اطلاعات و پردازش اطلاعات در ذهن ما اثر می‌گذارد و دستورالعمل‌هایی را برای هدایت رفتارمان در اختیارمان قرار می‌دهد.

یکی از انواع هویت اجتماعی، هویت قومی است که در عصر مدرن همواره در ارتباط با هویت ملی مطرح می‌شود؛ اما پیش از پرداختن به این مبحث، نظری به مفهوم قومیت می‌اندازیم.

مفهوم قومیت، مانند ملیت، مفهوم ساده و بی‌مناقشه‌ای نیست و غالباً وجه تمایز آن از ملیت به لحاظ جامعه‌شناختی چندان روشن نیست. قومیت نوعی دیدگاه درونی است که اهمیتش برای فرد در زمان برقراری تعامل با دیگران آشکار می‌شود. در مواردی که فرد احساس می‌کند قومیت او در یک موقعیت اجتماعی کارساز است و منافی را برای او تسهیل می‌کند، هویت قومی خود را آشکار می‌کند و در جایی که آن را مانعی در راه منافع خود بداند آن را نهفته می‌گذارد. جامعه‌شناسان حتی گاه در چنین مضامینی از مفهوم قومیت نمادین^۱ سخن می‌گویند. مثلاً در آمریکا قومیت نمادین بیانگر «تمایل به حفظ نوعی حس قومی» است بی‌آنکه «به پیوندها و رفتارهای اجتماعی قومی تعهد عمیق و ریشه‌داری ابراز شود» (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۷۱). گوناگونی تعریف قومیت برحسب فرهنگ‌های مختلف سبب شده است که برخی از پژوهشگران اصولاً مانع وجود چنین مقوله‌ای در برخی کشورها، به‌رغم اذعان به تفاوت‌های گویشی و فرهنگی، شوند (سید امامی، ۱۳۸۷: ۲۰).

تمایز میان مفاهیم قومیت و ملیت نیز اغلب چندان روشن نیست و معمولاً فرق میان آن دو را در وجود یک دولت-ملت در مورد ملت مفروض می‌گیرند؛ اما به هر صورت، قومیت بیانگر احساس تعلق به اجتماعی است که اعضای آن ریشه‌های نیاکانی و تاریخی مشترکی را مفروض می‌دانند. یکی از اصلی‌ترین وجوه متمایزکننده یک قوم زبان است، اما مواردی نیز وجود دارد که در آن یک گروه قومی برحسب زبان از بقیه جدا نمی‌شود. در هر حال، هر گروه قومی معمولاً بر مبنای یک نام مشخص، یک زبان مشترک، پاره‌ای مشترکات فرهنگی واقعی یا

تخیلی، و تصویری از نیاکان مشترک از اجتماعات دیگر تفکیک می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان ملت و ملت‌گرایی کوشیده‌اند بر مبنای برخی معیارها «ملت‌ها» را تعریف کنند؛ از جمله ارنست رنان عناصر اساسی برای اینکه ملتی بتواند داعیه ملت بودن داشته باشد را به شرح زیر می‌داند: سابقه دولت یا سلسله پادشاهی؛ حقوق ملی، زبان و مذهب مشترک؛ سرزمین آباء و اجدادی؛ و توان نظامی (Renan, 1999: 9-12). یا شرایطی را که استالین و به تبع او پژوهشگران مارکسیست-لنینیست برای یک ملت برمی‌شمردند: زبان مشترک، قلمروی سرزمینی مشترک، حیات اقتصادی مشترک، ساختار روانی مشترکی که در فرهنگ مشترک آنان جلوه‌گر است (سید امامی، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ اما تعیین دقیق معیارهای مذکور الزاماً در حد نظری است و ممکن است مورد قبول افرادی که خود را ملت می‌پندارند نباشد.

یکی دیگر از ابعاد مفهوم گروه قومی این است که این مفهوم به گونه‌ای به کار می‌رود که نوعی عضویت مشخص و بی‌ابهام را تداعی می‌کند که در آن قومیت تام و تمام و تجمیع‌کننده مؤلفه‌های هویتی است؛ اما در عمل این شرایطی است که به ندرت تحقق می‌یابد (Fenton, 2004: 180-185). هویت قومی صرفاً یکی از ابعاد هویت است. فرد در کنار هویت قومی خود ممکن است انواع هویت‌های دیگر، از جمله هویت ملی، هویت مذهبی، هویت شغلی و غیره نیز داشته باشد. مهم اهمیت یافتن یکی از مؤلفه‌های هویتی در شرایط خاص اجتماعی یا در وضعیت‌های تعاملی خاص است. قومیت را همچنین می‌توان بعد قومی هویت فرد دانست. در شرایطی که این بعد از هویت فرد برجسته می‌شود و اهمیت می‌یابد، مبنای همانندسازی اجتماعی قدرتمندی قرار می‌گیرد که اغلب با احساسات و عواطف شدید همراه است.

فنی در بررسی مفصلی که درباره پژوهش‌های مربوط به هویت قومی انجام داده نتیجه می‌گیرد که تعریفی از هویت قومی که پذیرش گسترده در میان پژوهشگران داشته باشد وجود ندارد (Valk and Karu, 2001: 583). فالک و کارو هویت قومی را به‌عنوان تلفیقی از «نگرش‌های فرد به گروه منشأ خود و کردارهای فرهنگی مشترک آن گروه» و نیز «احساس تعلق با آن گروه» تعریف می‌کنند (Valk and Karu, 2001: 584-601).

آن‌ها به‌علاوه اظهار می‌دارند که علاوه بر احساس مثبت نسبت به گروه خودی (تعلق و تفاخر نسبت به درون گروه) باید چگونگی تفکیک گروه خود و گروه‌های دیگر و ترجیحی که فرد به افراد و شیوه‌های درون گروه خود دارد (تعصب درون‌گروهی یا التفات ویژه به افراد خودی) را نیز در تعریف هویت قومی در نظر گرفت. در تحقیق حاضر تعریف بالا مورد استفاده قرار گرفته است.

عملیاتی کردن مفهوم هویت قومی

یکی از سنجه‌های هویت قومی، مقیاس ۱۴ گویه‌ای فینی موسوم به «مقیاس هویت قومی چند گروهی»^۱ است. این سنجه سه خرده‌مقیاس دارد که سه جنبه هویت قومی را اندازه‌گیری می‌کنند:

۱. احساس تعلق به گروه قومی خود و نگرش‌هایی که فرد نسبت به آن دارد.

۲. موفقیت در احراز هویت قومی بر مبنای تلاش و تعهد.

۳. رفتارها و رسم‌های قومی.

پاسخ به گویه‌ها برحسب یک طیف چهاردرجه‌ای لیکرت که از «قویاً مخالف» شروع و به «قویاً موافق» ختم می‌شود رتبه‌بندی شده‌اند (Phinney and Devich-Navarro, 1997:4; Phinney, 1992:157).

فالک و کارو، با خلاصه کردن ابعاد قویت قومی به دو بعد «تعلق و تفاخر قومی» و «تفکیک قومی»، «مقیاس هویت قومی» را مبنای پژوهش‌های تجربی خود قرار داده‌اند. تعلق و تفاخر قومی بیانگر تعلق و رضایت خاطر فرد از گروه قومی خود به‌طور کلی است. احساسات و نگرش‌های مرتبط به عضویت در گروه و توجه و علاقه او به فرهنگ، تاریخ و آداب و رسوم گروه قومی‌اش در این چارچوب قرار می‌گیرد. مقصود از بعد تفکیک قومی تمایل فرد به تفکیک میان گروه‌های قومی هم در سطح انتزاعی و هم در سطح مشخص است. اشخاصی که حس تفکیک قومی در آن‌ها زیاد است معمولاً به منشأ قومی فرد دیگری که با او در تعامل قرار گرفته‌اند، توجه می‌کنند؛ در نتیجه ترجیح می‌دهند با اعضای گروه قومی خود ارتباط داشته باشند و معاشرت کنند؛ بیشتر دوستان خود را از میان اعضای درون گروه خود برمی‌گزینند؛ و تمایل به ازدواج با عضوی از گروه قومی خود را دارند (Valk and Karu, 2001: 589). سایر پژوهشگران نیز به هر دو بعدی که در این مقیاس به کار رفته است، اذعان داشته‌اند. «عاطفه درون گروهی»^۲، به‌مثابه آن دسته احساسات یا عواطف که ناشی از عضویت در یک گروه اجتماعی است، و «پیوندهای درون گروهی»^۳، به معنای پیوندهای روان‌شناختی‌ای که خود را به گروه پیوند می‌دهد، ارکان مهمی از مدل جیمز کامرون (۲۰۰۴) برای تعیین هویت اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهد؛ که در تحقیق حاضر یکی از مبانی نظری تحقیق به شمار می‌رود.

با استفاده از مقیاس هویت قومی فالک و کارو و با در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی گروه‌های مورد بررسی در این پژوهش از ۱۱ گویه برای سنجش تعلق و تفاخر هویت قومی پاسخ‌دهندگان استفاده شد. گویه‌های مذکور در جدول ۱-۱ درج شده‌اند.

از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که در پاسخ به هر گویه از میان ۵ گزینه «خیلی موافق»،

1. Multigroup Ethnic Identity Measure
2. Ingroup Affect
3. Ingroup Ties

«موافق»، «بی‌نظر»، «مخالف»، و «خیلی مخالف»، یکی را انتخاب کنند.

کلیه گویه‌های مربوط به هویت قومی پیش از اجرای پیمایش و توزیع پرسشنامه در مطالعات امتحانی (پابلوت) از طریق آزمون آلفای کرونباخ بررسی شدند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که کلیه گویه‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردارند.

گویه‌های تعلق و تفاخر قومی

۱. از کرد/ آذری بودن خود احساس غرور می‌کنم.
 ۲. آگاهی از اینکه یک کرد/ آذری هستم اعتماد به نفس مرا بالا می‌برد.
 ۳. با معرفی خود به دیگران به‌عنوان یک کرد/ آذری احساس خوبی به من دست می‌دهد.
 ۴. به آداب و رسوم کردها/ آذری‌ها احترام می‌گذارم.
 ۵. علاقه زیادی به تاریخ کردها/ آذری‌ها و کردستان/ آذربایجان ندارم.
 ۶. همان پیوندی را که با کردها/ آذری‌ها حس می‌کنم با بقیه مردم ایران نیز احساس می‌کنم.
 ۷. از شرکت در مراسم و برنامه‌هایی که مربوط به کردها/ آذری‌هاست لذت می‌برم.
 ۸. مهم نیست که فرزندانم در آینده حتماً کردی/ آذری بدانند.
 ۹. خوشحالم که یک کرد/ آذری متولد شده‌ام.
 ۱۰. علم به تاریخ کردها/ آذری‌ها به من می‌آموزد که برای سایر کردها/ آذری‌ها و خودم ارزش بیشتری قائل شوم.
 ۱۱. دستاوردهای کردها/ آذری‌ها در طول تاریخ موجب افتخار من است.
- علاوه بر سؤالی که هویت قومی را می‌سنجد، دو سؤال دیگر در پرسشنامه مستقیماً از خود پاسخ‌دهندگان درخواست می‌کرد که هویت خود را از میان چهار گزینه «یک ایرانی»، «یک آذری/ کرد»، «یک مسلمان»، و «یک شهروند جهانی» در وهله اول و در وهله دوم اظهار کنند. این دو سؤال در واقع نوعی خوداظهاری در مورد اهمیت هر یک از ابعاد هویتی اعلام شده بود. همچنین به‌منظور درک اهمیت مؤلفه قومی در هویت فرد و به‌طور کلی برای فهم سیاست‌های فردی پاسخ‌دهندگان در چگونگی ابراز هویت قومی خود سؤال دیگری در پرسشنامه مطرح شد که در آن از پاسخ‌دهندگان پرسیده می‌شد در محیط دانشگاه آذری/ کرد بودن خود را چگونه آشکار می‌کنند. آنان مختار بودند از میان سه گزینه، یکی را برگزینند: «آشکار نمی‌کنم»، «تا زمانی که پرسیده نشده است ابراز نمی‌کنم»، و «عمداً می‌کوشم در اولین آشنایی‌ها نشان دهم». مفروض ما این بود که افرادی که احساس قوی درباره هویت قومی خود دارند، عمداً این هویت را در اولین برخوردها با سایر دانشجویان نشان خواهند داد.

روش تحقیق و ابزارهای گردآوری و سنجش داده‌ها

در این پیمایش که در سطح دانشگاه‌های تهران صورت گرفت برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد. برای تهیه پرسشنامه از چند جلسه مصاحبه متمرکز گروهی^۱ که جداگانه برای دانشجویان کرد و آذری برگزار شدند استفاده به عمل آمد. متن پیاده‌شده مصاحبه‌های گروهی پس از تحلیل کیفی مبنای اصلی طراحی پرسشنامه‌ها قرار گرفت. سؤال‌های پرسشنامه‌های هر دو گروه آذری‌ها و کردها اساساً یکسان بود و تنها کلمه‌های آذری و کرد در پرسشنامه‌های هر گروه به‌طور اختصاصی درج شدند.

نمونه‌گیری

واحد تحلیل در تحقیق حاضر فرد است. جمعیت آماری موردنظر دو گروه جداگانه، یعنی دانشجویان کرد و دانشجویان آذری شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شهر تهران بودند. یافتن نمونه کاملاً معرف از میان جمعیت‌های آماری مذکور در عمل بسیار دشوار بود. برای برگزیدن نمونه فهرست یا منبع ثبت‌شده‌ای که بر پایه آن بتوان دانشجویان کرد و آذری را استخراج کرد در دسترس نبود. لذا نمونه‌گیری خوشه‌ای، که «خوشه‌ها» از طریق خود دانشجویان کرد و آذری بود، نمونه را در عمل به‌نوعی نمونه «گلوله برفی»^۲ مبدل ساخت. با توجه به ملاحظات عملی، اندازه کل نمونه را حدود ۶۲۵ مورد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد خطای نمونه‌گیری را تقریباً در حد $\pm 4\%$ قرار می‌داد. در عمل جمعاً ۵۹۱ پرسشنامه از سوی ۲۸۰ دانشجوی کرد و ۳۱۱ دانشجوی آذری تکمیل شدند.

اطلاعات جمعیت شناختی

در تحقیق حاضر، توزیع سنی هر دو نمونه آذری‌ها و کردها در مجموع متوازن است. با وجود تلاش‌های به‌عمل آمده، توازن جنسیتی در نمونه‌های دانشجویان آذری و کرد حدود ۶۷/۸۵ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌ها را مردان تشکیل دادند.

استان محل سکونت پاسخ‌دهندگان پیش از آغاز به تحصیل می‌تواند در تحلیل داده‌ها به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار مورد توجه قرار گیرد، به‌ویژه در نمونه کردها. در نمونه آذری‌ها مجموعاً ۶۴ درصد پاسخ‌دهندگان اهل سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل هستند و ۳۱ درصد اهل زنجان و سایر مناطق آذری‌زبان؛ اما پراکندگی محل سکونت

1. Focus Groups
2. Snowball Sample

دانشجویان کرد ممکن است معرف تفاوت‌های معنادار در سنخ دانشجویان کرد باشد. حدود ۴۴ درصد پاسخ‌دهندگان پیش از شروع تحصیل در تهران در دو استان کردستان و آذربایجان غربی ساکن بودند و ۴۵ درصد در دو استان کرمانشاه و ایلام.

جدول ۱. استان محل سکونت پاسخ‌دهندگان پیش از آغاز به تحصیل در تهران

کرد			آذری		
نسبت	تعداد	محل سکونت	نسبت	تعداد	محل سکونت
٪۳۰	۸۴	کردستان	٪۳۹	۱۲۲	آذربایجان شرقی
٪۱۴	۳۹	آذربایجان غربی	٪۱۵	۴۸	آذربایجان غربی
٪۳۵	۹۸	کرمانشاه	٪۹	۲۹	اردبیل
٪۱۰	۲۸	ایلام	٪۱۵	۴۶	زنجان
٪۶	۱۶	سایر	٪۱۶	۵۱	سایر مناطق
٪۵	۱۵	بی پاسخ	٪۵	۱۵	بی پاسخ
٪۱۰۰	۲۸۰	جمع	٪۱۰۰	۳۱۱	کل

متغیر مذهب به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر هویت قومی و بر شکاف‌های اجتماعی در ایران مهم تلقی می‌شود. در نمونه آذری‌ها حدود ۹۶ درصد مذهب خود را شیعه و تقریباً ۱ درصد سنی اعلام کرده‌اند (جدول ۲). بنابراین شکاف مذهبی نمی‌تواند یک متغیر تأثیرگذار در داده‌های به‌دست آمده از نمونه آذری‌ها باشد؛ اما در میان دانشجویان کرد، ۳۵/۷ درصد شیعه و ۵۸/۲ درصد سنی مشاهده می‌شوند که طبعاً به لحاظ تحلیلی در بخش تحلیل داده‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت.

جدول ۲. مذهب پاسخ‌دهندگان (به درصد)

بی پاسخ	سایر	سنی	شیعه	آذری‌ها
۱/۶	۱/۶	۰/۹۶	۹۵/۸۱	
۳/۲۱	۲/۸۵	۵۸/۲۱	۳۵/۷۱	کردها

مؤلفه‌های هویتی

زبان مادری یا زبانی که فرد نخست به آن سخن می‌گوید و آن را مناسب‌ترین ابزار برای بیان احساسات و عواطف خود می‌یابد بدون شک یکی از مهم‌ترین شناسه‌های هویت فرد است. در این پژوهش، پاسخ‌دهندگان ترجیح خود به سخن گفتن به زبان بومی خویش را به گونه‌ای آشکار بیان داشتند. در پاسخ به این سؤال که در جمع دانشجویان کرد معمولاً تا چه میزان

کردی صحبت می‌کنید، ۸۰/۷ درصد گزینه «همیشه» و ۱۱/۸ درصد گزینه «اغلب» را انتخاب کردند. ۷۲ درصد و ۱۶/۷ درصد دانشجویان آذری نیز به ترتیب گزینه‌های «همیشه» و «اغلب» را برگزیدند (جدول ۳). تردیدی نباید داشت که هر دو گروه دانشجویان زبان قومی خود را بسیار عزیز و سخن گفتن به آن در جمع دوستان هم‌زبان خود را بسیار طبیعی می‌دانند.

جدول ۳. میزان صحبت به زبان کردی / آذری در جمع دانشجویان هم‌زبان (به درصد)

همیشه	اغلب	گاهی	به ندرت	بی‌پاسخ	
۸۰/۷	۱۱/۷	۵	۲/۵	۰	کردها
۷۲	۱۶/۷	۵/۱	۵/۴	۰/۶	آذری‌ها

تأکیدی که فرد بر هویت قومی خود دارد سبب می‌شود که در تعامل با دیگران آن‌ها را آشکار کند. در پاسخ به این سؤال که در محیط دانشگاه کرد / آذری بودن خود را آشکار می‌کنید، پاسخ‌های دانشجویان کرد و آذری تفاوت‌هایی را نشان می‌داد، گرچه اصل در هر دو گروه آشکار کردن این هویت‌ها بود (جدول ۴). در مقایسه با ۴۱/۸ درصد کردها که اظهار داشته بودند عمداً می‌کوشم در اولین آشنایی‌ها هویت کردی خود را نشان دهم، ۵۸/۲ درصد دانشجویان آذری اصرار بر نشان دادن آذری بودن در اولین برخوردها داشتند. از سوی دیگر ۵۱/۴ و ۳۵/۴ درصد کردها و آذری‌ها به ترتیب اظهار داشتند تا زمانی که پرسیده نشده است هویت قومی خود را ابراز نمی‌کنند. بنابراین آذری‌ها بیشتر تمایل دارند در اولین برخوردها هویت قومی خود را بیان کنند. البته تفاوت مذکور الزاماً به معنای شدت حس هویت قومی در میان آذری‌ها نیست و می‌تواند ناشی از عوامل دیگری مثل آشکار بودن لهجه آذری باشد.

جدول ۴. چگونگی آشکار کردن هویت قومی در محیط دانشگاه (به درصد)

آشکار نمی‌کنم	تا زمانی که پرسیده نشده ابراز نمی‌کنم	عمداً می‌کوشم در اولین آشنایی نشان دهم	بی‌پاسخ	جمع
۱/۲۸	۳۵/۳۶	۵۸/۱۹	۳/۵۷	۱۰۰
۳/۲۱	۵۱/۴۲	۴۱/۷۸	۵/۱۴	۱۰۰

هویت اساساً تعریفی است که فرد از خود دارد. لذا ابراز هویت اصلی و نخستین فرد بسیار معنادار است. در پرسشنامه به‌طور مشخصی دو سؤال در این زمینه و مستقیماً از پاسخ‌دهندگان

پرسیده شده بود: «خود را در وهله اول چه می‌دانید؟» و «در وهله دوم چه؟» در پاسخ به سؤال اول ۳۷/۱ درصد کردها خود را در وهله اول یک کرد و ۳۷/۳ درصد آذری‌ها خود را در وهله اول یک آذری می‌دانند. برای هر دو گروه، گزینه مذکور اولین گزینه در میان گزینه‌های دیگر (ایرانی، مسلمان، و غیره) محسوب می‌شود. در پاسخ به سؤال دوم، ۳۷/۱۴ درصد کردها و ۲۹/۵۸ درصد آذری‌ها خود را در وهله دوم کرد یا آذری دانسته‌اند. به عبارت دیگر، مؤلفه هویت قومی در هر دو گروه بسیار بالاست، ضمن اینکه مؤلفه‌های ایرانی و اسلامی نیز در هویت هر دو گروه در حد نسبتاً بالایی دیده می‌شود.

تجربه تعامل در محیط چندفرهنگی

یکی از وجوه هویت قومی حس تمایز یا مرزبندی میان گروه خودی و دیگران است. در افرادی که قوم‌مداری و حس تعلق به گروه قومی بسیار قوی است، یا در شرایطی که به هر علتی اعضای یک گروه قومی را در رقابت یا تنش با اعضای گروه‌های قومی می‌یابند، تمایل به پناه بردن به مناسبات درون‌گروهی و احتراز از تعامل با افراد برون‌گروه افزایش می‌یابد. برای سنجیدن حس تمایز قومی و نیز تغییراتی که در نگرش‌های دانشجویان کرد و آذری در محیط دانشگاه نسبت به معاشرت و دوستی با سایر دانشجویان در طول تحصیل ایجاد می‌شود، دو پرسش در پرسشنامه گنجانده شده بودند که درباره منشأ قومی دوستان پاسخ‌دهندگان در محیط دانشگاه می‌پرسیدند. پرسش نخست ترکیب دوستان در شروع به تحصیل و پرسش دوم ترکیب دوستان در زمان حاضر را مورد پرسش قرار می‌دادند. پاسخ‌ها برای هر دو گروه دانشجویان کرد و آذری در جدول ۵ درج شده‌اند.

جدول ۵- درصد دوستان از گروه‌های گوناگون در شروع به تحصیل در تهران و در حال حاضر

زمان	قومیت	کرد	ترک	تهرانی	شهرستانی‌های فارس زبان	دیگران
بدو تحصیل	کردها	۵۵٪	۰٪	۱۰٪	۲۴٪	۸٪
	ترک‌ها	۰٪	۴۸٪	۱۶٪	۲۷٪	۹٪
در حال حاضر	کردها	۵۳٪	۰٪	۱۱٪	۲۶٪	۸٪
	ترک‌ها	۰٪	۵۲٪	۱۴٪	۲۴٪	۸٪

این جدول نشان می‌دهد که هر دو گروه از دانشجویان کرد و آذری ترجیح می‌دهند دوستان خود را از میان هم‌زبانان‌شان برگزینند. حدود ۵۰ درصد دوستان هر دو گروه را سایر افراد هم‌زبان

تشکیل می‌دهند. اختلاف اندکی بین تغییر در تمایل مذکور میان دو گروه کرد و آذری دیده می‌شود که البته می‌تواند ناشی از خطاهای تصادفی باشد. از تمایل کردها به معاشرت با سایر کردها در طول اقامتشان در تهران کمی (حدود ۲ درصد) کاسته شده است، اما دانشجویان آذری به نظر می‌رسد تمایل بیشتری به معاشرت با هم‌زبانان خود پس از اقامت در تهران پیدا کرده‌اند (حدود ۴ درصد افزایش). هر دو گروه تمایل بیشتری برای معاشرت با شهرستانی‌ها در مقایسه با تهرانی‌ها ابراز کرده‌اند، یا به عبارت دیگر فاصله اجتماعی خود را با شهرستانی‌ها کمتر از فاصله مذکور با تهرانی‌ها دیده‌اند؛ اما نکته بسیار شگفت‌آور در این داده‌ها عدم تمایل هر دو گروه از دانشجویان آذری و کرد به معاشرت با یکدیگر است. در میان پاسخ‌دهندگان موجود در نمونه ما حتی یک نفر کرد یا آذری نیز یافت نشد که اظهار کند از میان گروه دیگر دوستی دارد. این امر نشانگر فاصله اجتماعی یا شکاف قومی زیادی است که میان این دو گروه احساس می‌شود.

تصور یا استنباطی که دانشجویان قومی از نوع روابط خود با سایر دانشجویان در تهران در ابتدای ورودشان به دانشگاه داشتند از جمله موضوعات دیگری بود که مورد پرسش قرار گرفت و امکان آن را فراهم کرد که با دیدگاه پاسخ‌دهندگان درباره نوع تعاملی که بعداً در جریان حضور و تحصیل در دانشگاه خود داشتند، مقایسه شود.

مقیاس هویت قومی پاسخ‌دهندگان

جدول ۶، بیان توصیفی ۲۰ گویه است که مجموعاً مقیاس هویت قومی پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. در یک تقسیم‌بندی مفهومی، گویه‌ها به دو دسته تقسیم شده‌اند: ۱۱ گویه تفاخر قومی^۱ یا حس تقدیر و رضایتی را که فرد نسبت به هویت قومی خود دارد اندازه‌گیری می‌کنند (گویه‌های ۱ تا ۱۱). برای احتراز از تمایل پاسخ‌دهندگان به ابراز پاسخ‌های موافق با گویه‌ها، برخی از گویه‌ها به صورت معکوس بیان شده‌اند و هنگام محاسبه مقیاس کمی هویت قومی امتیاز آن‌ها نیز معکوس خواهد شد. با مراجعه به جدول، می‌توان مشاهده کرد که حس دل‌بستگی به انواع شناسه‌های قومی در هر دو گروه از دانشجویان نسبتاً قوی است، و آن‌ها هم احساس قوی تفاخر قومی دارند و هم مرزهای قومی را در تعاملی که با دیگران دارند کم‌و‌بیش در نظر می‌گیرند. البته در هر دو گروه به نظر می‌رسد حس مرزبندی قومی با دیگران چندان قوی نباشد، و در واقع در چند مورد نگرش یا رفتاری را گزارش می‌دهند که با نگرش‌ها و رفتار مورد انتظار از افرادی که احساس قوی هویت قومی دارند سازگار نیست (مثل دو گویه: «در ارزیابی یک شخص نباید به قومیت او توجه داشت» و «در میان دوستان و نزدیکان من چندین

غیر آذری / غیر کرد وجود دارد.»). البته این احتمال را نیز باید در نظر داشت که به‌رغم آزمون‌هایی که قبلاً دربارهٔ روایی و پایایی گویه‌ها به‌عمل آمده است (از طریق محاسبهٔ آلفای کرونباخ)، این دو گویه پس از آزمون‌های بیشتر حذف شوند.

جدول ۶. میزان تعلق به هویت قومی (به درصد)

الف: کردها	خیلی موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	خیلی مخالف	بی‌پاسخ
از کرد بودن خود احساس غرور می‌کنم	۵۰٪	۲۴٪	۲۰٪	۲٪	۲٪	۲٪
آگاهی از اینکه کرد هستم اعتماد به نفس مرا بالا می‌برد	۳۶٪	۲۸٪	۲۷٪	۴٪	۳٪	۲٪
به آداب و رسوم کردها با دیده احترام می‌نگرم	۶۰٪	۳۱٪	۴٪	۱٪	۱٪	۲٪
علاقه زیادی به تاریخ کردها و کردستان ندارم	۴٪	۴٪	۱۴٪	۳۷٪	۳۷٪	۴٪
همان پیوندی را که با کردها احساس می‌کنم با بقیه مردم ایران نیز احساس می‌کنم	۱۹٪	۲۰٪	۲۲٪	۲۸٪	۸٪	۳٪
خوشحالم که یک کرد متولد شده‌ام	۴۲٪	۲۱٪	۲۸٪	۳٪	۴٪	۳٪
علم به تاریخ کردها به من می‌آموزاند که برای سایر کردها و برای خودم ارزش بیشتری قائل شوم	۴۱٪	۳۳٪	۱۹٪	۲٪	۲٪	۳٪
دستاورد‌های کردها در طول تاریخ موجب افتخار من است	۴۱٪	۲۹٪	۱۹٪	۵٪	۳٪	۴٪
مهم نیست که فرزندانم در آینده حتماً کردی بدانند	۸٪	۸٪	۱۰٪	۲۰٪	۵۱٪	۳٪
از شرکت در مراسم و برنامه‌های مربوط به کردها لذت می‌برم	۵۰٪	۳۳٪	۹٪	۴٪	۲٪	۳٪
با معرفی خود به دیگران به‌عنوان یک کرد احساس خوبی به من دست می‌دهد	۴۰٪	۳۰٪	۲۱٪	۵٪	۳٪	۳٪
معمولاً برای من مهم نیست که بدانم هر فردی که با او در تماس قرار می‌گیرم چه قومیتی دارد	۳۰٪	۳۰٪	۱۶٪	۱۶٪	۵٪	۲٪
معاشرت با سایر کردها برای من دل‌پذیرتر از معاشرت با افراد گروه‌های دیگر است	۲۵٪	۳۱٪	۲۴٪	۱۲٪	۶٪	۳٪
همه دوستان نزدیک من کرد هستند	۲۵٪	۲۱٪	۱۴٪	۳۲٪	۵٪	۳٪
قومیت فردی که بخواند همسر من شود برایم مهم نیست	۱۴٪	۱۷٪	۱۰٪	۲۳٪	۳۲٪	۴٪

هم خوابگاه بودن با غیر کردها برای من دشوار است	۹٪	۱۴٪	۲۰٪	۳۰٪	۲۳٪	۴٪
از معاشرت با دانشجویان تهرانی و سایر غیر کردها جداً لذت می‌برم	۵٪	۲۲٪	۴۲٪	۱۶٪	۱۱٪	۳٪
در ارزیابی یک شخص نباید به قومیت او توجه داشت	۴۰٪	۲۹٪	۱۵٪	۹٪	۴٪	۳٪
در میان دوستان و نزدیکان من چندین غیر کرد وجود دارد	۳۶٪	۴۶٪	۶٪	۵٪	۳٪	۵٪
در ازدواج بهتر است که هر دو طرف اهل یک قوم باشند	۳۳٪	۳۰٪	۱۶٪	۱۳٪	۵٪	۳٪

ب: آذری‌ها					
خیلی موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	خیلی مخالف	بی‌پاسخ
۶۶٪	۱۶٪	۱۴٪	۱٪	۱٪	۲٪
از ترک بودن خود احساس غرور می‌کنم					
۴۸٪	۲۲٪	۲۱٪	۴٪	۲٪	۳٪
آگاهی از اینکه یک ترک هستم اعتماد به نفس مرا بالا می‌برد					
۶۸٪	۲۳٪	۵٪	۰٪	۰٪	۴٪
به آداب و رسوم ترک‌ها با دیده احترام می‌نگرم					
۴٪	۵٪	۱۳٪	۳۰٪	۴۵٪	۳٪
علاقه زیادی به تاریخ ترک‌ها و آذربایجان ندارم					
۱۴٪	۳۰٪	۱۹٪	۲۳٪	۱۰٪	۳٪
همان پیوندی را که با ترک‌ها احساس می‌کنم با بقیه مردم ایران نیز احساس می‌کنم					
۵۷٪	۲۳٪	۱۷٪	۰٪	۰٪	۳٪
خوشحالم که یک ترک متولد شده‌ام					
۵۲٪	۲۵٪	۱۴٪	۳٪	۱٪	۴٪
علم به تاریخ ترک‌ها به من می‌آموزد که برای سایر ترک‌ها و برای خودم ارزش بیشتری قائل شوم					
۵۷٪	۲۶٪	۱۲٪	۱٪	۰٪	۴٪
دستاوردهای ترک‌ها در طول تاریخ موجب افتخار من است					
۴٪	۷٪	۸٪	۱۹٪	۵۹٪	۳٪
مهم نیست که فرزندانم در آینده حتماً ترکی بدانند					
۶۰٪	۲۲٪	۱۳٪	۰٪	۱٪	۳٪
از شرکت در مراسم و برنامه‌هایی که مربوط به بهار خواب‌هاست لذت می‌برم					
۵۷٪	۲۵٪	۱۵٪	۱٪	۰٪	۳٪
با معرفی خود به دیگران به‌عنوان یک ترک احساس خوبی به من دست می‌دهد					
۲۹٪	۳۰٪	۱۸٪	۱۴٪	۶٪	۴٪
معمولاً برای من مهم نیست که بدانم هر فردی که با او در تماس قرار می‌گیرم چه قومیتی دارد					

٪۳	٪۴	٪۸	٪۲۵	٪۲۷	٪۳۴	معاشرت با سایر ترک‌ها برای من دل‌پذیرتر از معاشرت با گروه‌های دیگر است
٪۴	٪۵	٪۲۱	٪۱۸	٪۲۷	٪۲۵	همه دوستان نزدیک من ترک هستند
٪۳	٪۳۳	٪۲۴	٪۱۴	٪۱۴	٪۱۱	قومیت فردی که بخواهد همسرم شود برایم مهم نیست
٪۳	٪۱۸	٪۲۴	٪۲۴	٪۱۸	٪۱۳	هم خوابگاه بودن با غیر ترک‌ها برای من دشوار است
٪۵	٪۱۲	٪۱۹	٪۳۶	٪۲۱	٪۸	از معاشرت با دانشجویان تهرانی و سایر غیر ترک‌ها جدا لذت می‌برم
٪۳	٪۳	٪۹	٪۱۴	٪۲۷	٪۴۳	در ارزیابی یک شخص نباید به قومیت او توجه داشت
٪۴	٪۱	٪۳	٪۶	٪۵۰	٪۳۷	در میان دوستان و نزدیکان من چندین غیر ترک وجود دارد
٪۳	٪۳	٪۶	٪۲۳	٪۳۱	٪۳۴	در ازدواج بهتر است که هر دو طرف اهل یک قوم باشند

جدول ۷- موقعیت‌ها و شرایطی که سبب تقویت احساس ایرانی بودن است (به درصد)

کردها	ترک‌ها	
۵۴/۶۴	۳۸/۹۰	وقتی تمدن گذشته کشور خود را با برخی کشورهای همسایه مقایسه می‌کنم
۳۵/۳۵	۴۰/۵۱	هنگام پیروزی تیم ملی فوتبال بر یک رقیب خارجی
۳۶/۰۷	۵۲/۰۹	هنگام شنیدن یا خواندن اخبار پیشرفت‌های کشور
۲۲/۱۴	۳۵/۶۹	هنگام حاد شدن تهدیدهای خارجی
۳۰/۷۱	۳۱/۵۱	هنگام خلیج عربی خواندن خلیج فارس توسط بیگانگان
۱۰/۳۵	۶۷/۲۰	در جریان انتخابات شوراها در شهر خودم
۶۰	۵۷/۲۳	وقتی در روزنامه خواندم یا از استادی شنیدم که ترک‌ها از سازندگان اصلی تمدن ایرانی هستند
۲۱/۷۸	۳۳/۴۴	زمانی که اخبار مربوط به پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در صدر اخبار جهان بود
۲۳/۲۱	۲۵/۰۸	هنگام گوش دادن به برخی تبلیغات مغرضانه رسانه‌های خارجی علیه ایران

برای هر دو گروه ذکر این مطلب که گروه قومی ایشان از سازندگان اصلی تمدن ایرانی محسوب می‌شوند (به عبارت دیگر ابراز یک دیدگاه جذبی و انضمامی) در بیشترین تعداد افراد به عنوان تجربه‌ای ذکر شده بود که احساس قوی ایرانی بودن را در آنها برانگیخته است. دقیقاً

۶۰ درصد کردها و حدود ۵۷/۲ درصد آذری‌ها گویه مذکور را علامت زدند. از میان وضعیت‌های ذکر شده در این سؤال، چهار وضعیت پاسخ‌های نسبتاً متفاوت دو گروه کرد و آذری را به همراه داشتند. مهم‌ترین تفاوت در زمینه گویه‌ای بود که احساس قوی ایرانی بودن را در موقعیت انتخابات شوراها در شهر پاسخ‌دهنده می‌سنجید. در مقایسه با ۶۷/۲ درصد آذری‌ها که با گویه مذکور موافق بودند، تنها ۱۰/۳ درصد کردها موافقت خود با این گویه را ابراز کردند. در مورد دو گویه «هنگام شنیدن اخبار پیشرفت‌های کشور» و «هنگام حاد شدن تهدیدات خارجی» نیز تفاوت‌هایی میان دو گروه مشاهده شد. در مورد اول ۳۶ درصد و ۵۲/۱ درصد کردها و آذری‌ها به ترتیب، و در مورد دوم ۲۲/۱ درصد کردها و ۳۵/۷ درصد آذری‌ها به ترتیب، گویه‌ها را علامت زدند. تفاوت دیگر در واکنش به گویه‌ای بود که می‌پرسید «وقتی تمدن گذشته کشور خود را با برخی کشورهای همسایه مقایسه می‌کنم». در این زمینه ۵۴/۶ درصد کردها و ۳۸/۹ درصد آذری‌ها گویه مذکور را برگزیدند. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که تفاوت‌های مذکور معنادارند.

احساس نزدیکی در موقعیت‌هایی که بر یگانگی دینی همه مسلمانان تأکید می‌شود مقدار احتمال برابر با ۶٪ به دست آمده است که این مقدار از ۱۰/۰ کوچک‌تر است؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۰ درصد ارتباط قومیت با احساس نزدیکی با دیگران در موقعیت‌هایی که بر یگانگی دینی همه مسلمانان تأکید می‌شده است معنادار است. ۳۳/۳ درصد کردها ۴۰/۸ درصد کردها وقتی که بر یگانگی دینی تأکید می‌شده است احساس نزدیکی بیشتری با دیگران داشته‌اند.

جدول شماره ۸

کل	در موقعیت‌هایی که بر یگانگی دینی همه مسلمانان تأکید می‌شده است		مقادیر	قومیت
	خیر	احساس نزدیکی بیشتری داشته‌ام		
۲۷۹	۱۸۶	۹۳	تعداد	کرد
	٪۶۶/۷	٪۳۳/۳	درصد	
۳۰۹	۱۸۳	۱۲۶	تعداد	آذری
	٪۵۹/۲	٪۴۰/۸	درصد	
۵۸۸	۳۶۹	۲۱۹	تعداد	کل
	٪۶۲/۸	٪۳۷/۲	درصد	

احساس نزدیکی در جریان طرح تهدید علیه کشور

با توجه به اینکه مقدار احتمال برابر با ۲٪ است و این مقدار کمتر از ۵٪ است بنابراین فرض صفر یعنی عدم ارتباط رد می‌شود. ۲۲ درصد کردها و ۳۰ درصد آذری‌ها در جریان طرح تهدیدهایی علیه کشور احساس نزدیکی بیشتری داشته‌اند. در این زمینه تفاوت میان دو گروه نمی‌توانسته تصادفی باشد. آذری‌ها بیش از کردها عامل مذکور را سبب تقویت حس نزدیکی خود با سایر ایرانیان ذکر کرده‌اند.

جدول شماره ۹

قومیت	مقادیر	در جریان طرح تهدیدهایی که متوجه کل کشور ایران است	
		خیر	احساس نزدیکی بیشتری داشته‌ام
کرد	تعداد	۲۱۸	۶۱
	درصد	٪۷۸/۱	٪۲۱/۹
آذری	تعداد	۲۱۶	۹۳
	درصد	٪۶۹/۹	٪۳۰/۱
کل	تعداد	۴۳۴	۱۵۴
	درصد	٪۷۳/۸	٪۲۶/۲

احساس نزدیکی در هنگام سخن گفتن به زبان فارسی

۲۳ درصد کردها و ۱۳ درصد آذری‌ها در هنگام سخن گفتن به زبان فارسی احساس نزدیکی بیشتری با بقیه داشته‌اند. این تفاوت بین کردها و آذری‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است (مقدار احتمال ۰/۰۰۲ است). زبان فارسی کردها را در مقایسه با آذری‌ها به سایر ایرانیان نزدیک‌تر می‌کند.

جدول شماره ۱۰

قومیت	مقادیر	هنگام سخن گفتن به زبان فارسی	
		خیر	احساس نزدیکی بیشتری داشته‌ام
کرد	تعداد	۲۱۴	۶۵
	درصد	٪۶۷/۷	٪۲۳/۳
آذری	تعداد	۲۶۸	۴۱
	درصد	٪۸۶/۷	٪۱۳/۳
کل	تعداد	۴۸۲	۱۰۶
	درصد	٪۸۲/۰	٪۱۸/۰

احساس نزدیکی در هنگام تمجید از زبان یا فرهنگ قومی

۵۲/۶ درصد آذری‌ها و ۴۸/۲ درصد کردها در هنگام تمجید از زبان و فرهنگشان احساس نزدیکی بیشتری داشته‌اند. تفاوت مذکور بین کردها و آذری‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است (مقدار احتمال ۰/۰۴ است). دانشجویان آذری در مواقعی که از زبان و فرهنگشان تمجید می‌شود، بیش از دانشجویان کرد احساس نزدیکی به غیر خود می‌یابند.

جدول شماره ۱۱

کل	در جایی که مستقیم و غیرمستقیم جنبه‌هایی از زبان یا فرهنگ من با تمجید دیگران روبرو شده است		مقادیر	قومیت
	احساس نزدیکی بیشتری داشته‌ام	خیر		
۲۷۹	۱۵۸	۱۲۱	تعداد	کرد
%۱۰۰	%۵۶/۶	%۴۳/۴	درصد	
۳۰۹	۱۴۹	۱۶۰	تعداد	آذری
%۱۰۰	%۴۸/۲	%۵۱/۸	درصد	
۵۸۸	۳۰۷	۲۸۱	تعداد	کل
%۱۰۰	%۵۲/۲	%۴۷/۸	درصد	

مقایسه دانشجویان کرد و آذری در زمینه وضعیت‌هایی که سبب بروز احساس قوی درباره ایرانی بودن شده است از میان گویه‌های مربوط به سؤال ۲۰ گزینه‌هایی که به نظر می‌رسید نشانگر تفاوت معناداری بین دو گروه هستند آزمون شدند.

احساس قوی ایرانی بودن هنگام مقایسه تمدن کشورمان با کشورهای همسایه ۵۵/۲ درصد کردها و ۳۹/۲ درصد آذری‌ها هنگام مقایسه تمدن کشورمان با کشورهای همسایه احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌اند. مقدار احتمال ۰/۰۰۰ است که حاکی از معناداری تفاوت در بین کردها و آذری‌ها است.

جدول شماره ۱۲

کل	وقتی تمدن گذشته کشور خود را با برخی کشورهای همسایه مقایسه می‌کنم		مقادیر	قومیت
	احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌ام	خیر		
۲۷۷	۱۵۳	۱۲۴	تعداد	کرد
	%۱۰۰	%۴۴/۸	درصد	
۳۰۹	۱۲۱	۱۸۸	تعداد	آذری
	%۱۰۰	%۶۰/۸	درصد	
۵۸۶	۲۷۴	۳۱۲	تعداد	کل
	%۱۰۰	%۵۳/۲	درصد	

احساس قوی ایرانی بودن هنگام شنیدن یا خواندن اخبار پیشرفت‌های کشور ارتباط بین احساس قوی ایرانی بودن هنگام شنیدن یا خواندن اخبار پیشرفت‌های کشور و قومیت معنادار است. در این موقعیت آذری‌ها بیش از کردها (۵۲/۴ درصد به ۳۶/۵ درصد) احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌اند.

جدول شماره ۱۳

کل	هنگام شنیدن یا خواندن اخبار پیشرفت‌های کشور		مقادیر	قومیت
	احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌ام	خیر		
۲۷۷	۱۰۱	۱۷۶	تعداد	کرد
	%۱۰۰	%۶۳/۵	درصد	
۳۰۹	۱۶۲	۱۴۷	تعداد	آذری
	%۱۰۰	%۴۷/۶	درصد	
۵۸۶	۲۶۳	۳۲۳	تعداد	کل
	%۱۰۰	%۵۵/۱	درصد	

احساس قوی ایرانی بودن هنگام حاد شدن تهدیدات خارجی ارتباط بین احساس قوی ایرانی بودن هنگام حاد شدن تهدیدات خارجی و قومیت معنادار است. در این موقعیت آذری‌ها بیش از کردها (۳۵/۹ درصد به ۲۲/۴ درصد) احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌اند.

جدول شماره ۱۴

کل	هنگام حاد شدن تهدیدات خارجی		مقادیر	قومیت
	احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌ام	خیر		
۲۷۷	۶۲	۲۱۵	تعداد	کرد
%۱۰۰	%۲۲/۴	%۷۷/۶	درصد	
۳۰۹	۱۱۱	۱۹۸	تعداد	آذری
%۱۰۰	%۳۵/۹	%۶۴/۱	درصد	
۵۸۶	۱۷۳	۴۱۳	تعداد	کل
%۱۰۰	%۲۹/۵	%۷۰/۵	درصد	

احساس قوی ایرانی بودن هنگام انتخابات شوراها

۱۰/۵ درصد کردها و ۱۶/۵ درصد آذری‌ها در جریان انتخابات شوراها شهر خود احساس قوی ایرانی بودن داشته‌اند. مقدار احتمال ۰/۰۳ به دست آمده است که نشانگر معناداری تفاوت در بین کردها و آذری‌ها است.

جدول شماره ۱۵

کل	در جریان انتخابات شوراها در شهر خودم		مقادیر	قومیت
	احساس قوی درباره ایرانی بودن داشته‌ام	خیر		
۲۷۷	۲۹	۲۴۸	تعداد	کرد
%۱۰۰	%۱۰/۵	%۸۹/۵	درصد	
۳۰۹	۵۱	۲۵۸	تعداد	آذری
%۱۰۰	%۱۶/۵	%۸۳/۵	درصد	
۵۸۶	۸۰	۵۰۶	تعداد	کل
%۱۰۰	%۱۳/۷	%۸۶/۳	درصد	

رابطه میان شدت هویت قومی و داشتن تجاربی که دفاع از آذری / کرد بودن را سبب شده است

کردها و آذری‌هایی که هویت قومی شدیدتری داشته‌اند بیشتر خواسته‌اند از قومیت خود دفاع کنند. به عبارت دیگر آن‌هایی که تجاربی دارند که باعث می‌شود از قومیت خود دفاع کنند، هویت قومی بالاتری نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱۶

قومیت	تجاری که دفاع از هویت قومی را سبب می‌شود	تعداد	میانگین	انحراف معیار
کرد	خیر	۱۴۶	۳/۳	۰/۶
	خواسته‌ام از قومیت خود دفاع کنم	۱۲۸	۳/۷	۰/۵
آذری	خیر	۱۶۱	۳/۴	۰/۵
	خواسته‌ام از قومیت خود دفاع کنم	۱۴۵	۳/۹	۰/۵

رابطه میان شدت هویت قومی و داشتن تجاری که نزدیکی با گروه‌های دیگر را سبب شده است

در بین کسانی که تجاری دارند که سبب نزدیکی با گروه‌های دیگر می‌شود، هویت قومی کمتری نسبت به کسانی که این تجربه را ندارند دیده می‌شود. این مورد در بین آذری‌ها و کردها تقریباً یکسان است.

جدول شماره ۱۷

قومیت	تجاری که سبب نزدیکی با گروه‌های دیگر می‌شود	تعداد	میانگین	انحراف معیار
کرد	خیر	۲۳۳	۳/۵۳	۰/۶۱
	بلی	۴۱	۳/۳۰	۰/۴۶
آذری	خیر	۲۵۴	۳/۷۱	۰/۶۲
	بلی	۵۲	۳/۴۴	۰/۴۸

رابطه میان شدت هویت قومی و داشتن تجاری که احساس قوی ایرانی بودن را سبب شده است

در بین آذری‌ها کسانی که هویت قومی ضعیف‌تری دارند تجارب بیشتری را گزارش کرده‌اند که سبب شده احساس قوی ایرانی بودن داشته باشند. در حالی که در بین کردها تفاوت معناداری از نظر هویت قومی در بین کسانی که در وضعیت‌های گوناگون احساس قوی ایرانی بودن دارند با کسانی که چنین احساسی ندارند دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۱۸

قومیت	احساس ایرانی بودن	تعداد	میانگین	انحراف معیار
کرد	خیر	۲۳۴	۳/۵	۰/۶
	بلی	۴۰	۳/۵	۰/۶
آذری	خیر	۲۳۵	۳/۷	۰/۶
	بلی	۷۱	۳/۴	۰/۵

نتیجه گیری

مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق که به‌طور تجربی نیز نشان داده شده است، چندبعدی بودن مؤلفه‌های هویتی افراد است. در کنار تجربه‌های فردی و عوامل شخصیتی تأثیرگذار بر هویت فرد، عضویت هم‌زمان در گروه‌های اجتماعی گوناگون سبب شکل‌گیری مؤلفه‌های گوناگون هویتی می‌شود. یک آذربایجانی به‌طور هم‌زمان هم خود را مسلمان و ایرانی می‌داند و هم یک آذری. هیچ‌یک از ابعاد هویتی مذکور را نمی‌توان بر او منع کرد. پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی دانشجویان کرد و آذری به‌روشنی حاکی از اهمیت دادن آن‌ها به بعد قومی هویت خویش است. خوشبختانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیز بر تنوع قومی این سرزمین و رعایت حقوق همه اقوام صحه گذاشته است و مسئولان جمهوری اسلامی، برخلاف پیش از انقلاب، حساسیت و ظرافت زیادی را در مورد اقوام نشان داده‌اند. به گفته یکی از محققان برجسته روابط قومی، «اگر می‌خواهیم روابط خود را با اعضای گروه‌های قومی دیگر بهبود بخشیم، باید به هویتی که [آن‌ها] برای خود قائل می‌شوند احترام بگذاریم» (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۷۶). همین نویسنده در جای دیگری اظهار داشته است: «اگر می‌خواهیم روابط نزدیک‌تری با دیگری برقرار کنیم، باید خودنگاره‌های آن‌ها را تأیید و حمایت کنیم» (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۱۸۶). انکار هویت قومی به روابط قومی توأم با دوستی و حسن نیت آسیب جدی می‌زند.

بر پایه تحلیل‌های آماری در این تحقیق اهم نتایج به شرح زیر است:

- میان هویت قومی و خواسته‌های قومی از سوی پاسخ‌دهندگان همبستگی مثبت وجود دارد. هرچه احساس هویت قومی پاسخ‌دهنده قوی‌تر باشد، تأکید بیشتری بر خواسته‌های گروه قومی‌اش دارد.

- بر پایه سنجه هویت قومی در این تحقیق، میانگین هویت قومی آذری‌ها بیش از کردها است، اما در زمینه خواسته‌های قومی این دو گروه تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

- میان میزان هویت قومی و کرد/آذری دانستن فرد در وهله اول همبستگی مستقیم وجود دارد. در هر دو گروه آذری و کرد هر چه میزان هویت قومی آنان بیشتر باشد، بر هویت قومی خود به‌عنوان مؤلفه اصلی هویت اجتماعی خود تأکید بیشتری دارند.

- در زمینه رابطه میان جنسیت افراد و هویت قومی و تلقی آنان از خواسته‌های قومی گروه قومی‌شان میان دو گروه از دانشجویان کرد و آذری تفاوت دیده می‌شود. در میان کردها اختلاف معناداری در دو زمینه مذکور میان مردان و زنان وجود ندارد، اما در میان دانشجویان آذری این اختلاف معنادار است و هویت قومی و خواسته‌های قومی مردان آذری در مجموع بالاتر از زنان آذری است.

- در بررسی رابطه میان رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان و میزان هویت قومی آنان رابطه معناداری مشاهده نشد.
- مذهب (به معنای شیعه یا سنی بودن) در میان دانشجویان کرد رابطه معناداری را با میزان هویت قومی نشان نمی‌دهد، اگرچه میزان هویت قومی در میان سنی‌ها بیشتر است.
- تفاوت میان دانشجویان کرد و آذری در زمینه وضعیت‌های تعاملی خاصی که سبب نزدیکی آنان با افراد گروه‌های دیگر می‌شود در زمینه گویه‌های زیر معنادار بوده است:
- الف. احساس نزدیکی در همه روابطی که با غیر خود دارند. در این زمینه آذری‌ها در مجموع بیش از کردها با افراد غیرهم‌زبان خود احساس نزدیکی می‌کنند.
- ب. در مواقعی که بر یگانگی دینی همه مسلمانان تأکید می‌شود. در سطح اطمینان ۹۰ درصد، تفاوت میان دو گروه معنادار است. آذری‌ها بیش از کردها در چنین مواقعی با دیگران احساس نزدیکی دارند.
- ج. در جریان طرح تهدیدهایی علیه کشور. تفاوت دو گروه در این زمینه معنادار است. آذری‌ها بیش از کردها در مواقع تهدید علیه کشور احساس نزدیکی با بقیه دارند.
- د. هنگام سخن گفتن به زبان فارسی. در این زمینه کردها بیش از آذری‌ها هنگام سخن گفتن به زبان فارسی احساس نزدیکی با سایر ایرانیان دارند و این تفاوت معنادار است.
- ه. تمجید از زبان یا فرهنگ قومی. در این زمینه آذری‌ها بیش از کردها واکنش نشان می‌دهند و هنگام تمجید از زبان خود احساس نزدیکی به غیر خود پیدا می‌کنند.
- تفاوت میان دانشجویان کرد و آذری. در زمینه وضعیت‌هایی که سبب بروز احساس قوی درباره ایرانی بودن می‌شود در موارد زیر معنادار است:
- الف. هنگام مقایسه تمدن کشور خود با کشورهای همسایه. کردها بیش از آذری‌ها هنگام مقایسه تمدن کشور خود با کشورهای همسایه احساس قوی درباره ایرانی بودن خود دارند.
- ب. هنگام شنیدن یا خواندن اخبار پیشرفت‌های کشور. در این گونه مواقع آذری‌ها بیش از کردها احساس قوی درباره ایرانی بودن خود دارند.
- ج. هنگام حاد شدن تهدیدات خارجی علیه ایران. در این گونه وضعیت‌ها نیز آذری‌ها به طرز معناداری بیش از کردها احساس قوی درباره ایرانی بودن خود دارند.
- د. هنگام انتخابات شوراها. تفاوت آذری‌ها و کردها در این زمینه نیز معنادار است. آذری‌ها بیش از کردها در مواقعی که انتخابات شوراها برگزار می‌شود، احساس قوی ایرانی بودن دارند. در سایر زمینه‌هایی که در پرسشنامه قید شده بودند، تفاوت معناداری میان دو گروه از دانشجویان دیده نمی‌شود.

یافته‌های این تحقیق برآمده از دو نمونه دانشجویی از میان دانشجویان کرد و آذری شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های تهران است و تعمیم آن‌ها به همه دانشجویان کرد و آذری در سراسر ایران، به لحاظ آماری روا نیست. با این همه، در این تحقیق نهایت تلاش به عمل آمده است تا با اطمینان بالایی بتوان ادعا کرد که داده‌ها در مجموع بیانگر جامع دیدگاه‌ها و نگرش‌های پاسخ‌دهندگان است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- اسمیت، آنتونی دی، (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم: نظر، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- سیدامامی، کاووس، (۱۳۸۷)، «هویت‌های قومی از کجا برمی‌خیزد؟ مروری بر نظریه‌های اصلی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۷.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: قدرت هویت، جلد دوم، تهران: طرح نو.
- گودیکانست، ویلیام بی، (۱۳۸۳)، پیوند تفاوت‌ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی، ترجمه علی کریمی (مله) و مسعود هاشمی، تهران: تمدن ایرانی.
- میلر، دیوید، (۱۳۸۳)، ملیت، ترجمه داوود غرایاق زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

ب) انگلیسی

- Cameron, James E, (2004), "A Three Factor Model of Social Identity", *Self and Identity*, No.3.
- Fenton, S. (2004), "Beyond Ethnicity: The Global Comparative Analysis of Ethnic Conflict", *International Journal of Comparative Sociology*, Vol.45.
- Nario-Redmond, Monica Biernat, Scott Eidelman, and Debra J. Palenske, (2004), "The Social and Personal Identities Scale: A Measure of the Differential Importance Ascribed to Social and Personal Self-Categorizations", *Self and Identity*, Vol.3.
- Phinney, Jean S, (1990), "Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review of Research", *Psychology Bulletin*, Vol.108, No.3.
- Phinney, Jean S. and Nina Devich-Navarro, (1997), "Variations in Bicultural Identification among African-American and Mexican-American Adolescents", *Journal of Research on Adolescence*, Vol 7, No.1.
- Phinney, J. S, (1992), The Multigroup ethnic Identity Measure a New Scale for use with Diverse Groups, *Journal of Adolescent Research*, Vol.7, No.2.
- Renan, E, (1990), What is a Nation?, *Nation and Narration*, Vol.11.

- Smith, Anthony D, (1986), *The Ethnic Origin of Nations*, New York: Basil Blackwell.

- Tajfel, Henri (1978), *Differentiations between Social Groups*, London: Academic Press.

- Tajfel Henri and J.C. Turner (1985), "The Social Identity Theory of Intergroup Behaviour", in S. Worchel and W.G. Austin (eds.), *Psychology of Intergroup Relations*, 2nd edition, Chicago: Nelson-Hall.

- Valk, Aune (1998), "Determinants of National Attitudes", *Languages and Cultural Contact*, Vol. 25.

- Valk, Aune and Kristel Karu, (2001), "Ethnic Attitudes in Relation to Ethnic Pride and Ethnic Differentiation", *Journal of Social Psychology*, Vol.141, No.5.

